**Duty/aspiration approach.**

**رویکرد وظیفه/ آرمان**

**!-**This arguably more satisfactory approach was advanced by Lon Fuller. 2-He

ا**و لون فولر توسعه یافت رویکرد رضایت بخش بیشتر احتمالا**

distinguished between the morality of duty and the morality of aspiration. 3-The

اخلاق آرمان و اخلاق وظیفه بین تعیین کرد

morality of duty indicates the standard of ehavior that most people would be

بیشتر مردم که استاندارد رفتاری نشان می­دهد اخلاق وظیفه

prepared to tolerate, *i.e.* the bare minimum level of acceptable conduct. 4-The

مدیریت قابل قبول پایین ترین سطح تحمل کردن آماده

morality of aspiration indicates the standard of ehavior to which most people

اغلب مردم که استاندارد رفتاری نشان می­دهد اخلاق آرمان

should aspire. 5-Thus, Fuller is seeking to come to terms with the problematic

مشکل آفرین با اصطلاحات جستجو فولر بنابراین باید آرزو کند

distinction between “ought” and “shall” indicated earlier. 6-Fuller’s solution was

راه حل فولر زودتر نشان دادن خواهد و باید بین تمایز

that while the law may be employed to enforce the morality of duty, it cannot and

نمی تواند اخلاق وظیفه تقویت کردن استخدام شدن قانون هنگامی که

should not be used to enforce the morality of aspiration, *i.e:* it is legitimate to use

استفاده کردن قانونی اخلاق آرمان تقویت کردن نباید

the law to prevent people behaving badly, but not to use it in an attempt to force

مجبور کند تلاش استفاده به بدی رفتار مردم جلوگیری قانون

people to behave virtuously. 7-This was echoed by Lord Devlin, when he argued

بحث کرد زمانی لورد دولین بازگو شد از روی تقوی رفتار کند مردم

that “the law is concerned with the minimum and not with the maximum”. 8-We

حداکثر حداقل با نگران است قانون

can also see it in the famous “eighbor principle” advanced by **Lord Atkin** in

لورد آتکین توسط پیشرفت کرده است اصل معروف رفتاری ببینید

*Donoghue v. Stevmson* (1932):

9-‘’The liability for negligence … is no doubt based upon a general public

همگانی عمومی بر مبنای بی هیچ تردیدی قصور تعهد

sentiment of moral wrongdoing for which the offender must pay. 10-But acts or

اقدامات پرداخت باید متخلف خلاف کاری اخلاق تمایل

omissions which any moral code would censure cannot in a practical world be

یک دنیای تجربی نمی­تواند نکوهش کردن هر گونه کد اخلاقی کمیسیون­ها

treated so as to give a right to every person injured by them to demand relief.

تسکین درخواست زخمی هر فردی حق دادن رفتار کردن

11- In this way rules of law arise which limit the range of complainants and the

تنوع شاکی­ها محدود کردن بالا رفتن احکام قانون در این روش

extent of their remedy. 12-The rule that you are to love your neighbour becomes

میشود همسایه عشق ورزیدن قانون حد چاره ی آن

in law: you must not injure your eighbor, and the lawyer’s question: who is

کسی که سؤال وکیل همسایه آسیب زدن باید قانون

my eighbor? Receives a restricted reply”.

یک پاسخ محدود دریافت میکند همسایه

**رویکرد وظیفه/ آرمان**

1-احتمالاَ این رویکرد رضایت بخش توسط لون فولر پیشرفت کرده است.2- او میان اخلاق وظیفه و اخلاق آرمان تمایز گذاشت.3- اخلاقِ وظیفه استاندارد رفتار را نشان می­دهد که اکثر مردم آماده­ی تحمل آن هستند به عنوان مثال حداقل سطح رفتار قابل قبول. 4- اخلاق آرمان استاندارد رفتار را نشان می­دهد که اغلب مردم باید خواستار آن باشند.5- بنابراین، فولر درپی سازگار کردن تمایز مشکل ساز بین باید Ought)) و خواهد( Shall) است که پیش از این به ان­ها اشاره شد. 6- راه­حل فولر این بود که هنگامی که قانون ممکن است برای تقویت اخلاق وظیفه به کار بسته شود و نمی­تواند و نباید برای تقویت اخلاق آرمان مورد استفاده قرار گیرد، برای مثال مشروع است که از قانون برای منع مردم از رفتار نادرست استفاده شود، اما نباید از آن برای مجبور کردن مردم به انجام عمل صالح استفاده کرد.7- این توسط لورد دولین تأیید شد، هنگامی که اومدعی شد که: " قانون کاری با حداقل­ها و حداکثرها ندارد." 8-همچنین ما می­توانیم آن را در "اصل معروف همسایه" که توسط لورد آتکین در *Donoghue v. Stevmson* (1932) توسعه داد، ببینیم.

9- "مسئولیت غفلت... بدون شک براساس یک احساس همگانی از اتهام اخلاقی است که مجرم باید به خاطر آن جریمه شود. 10- اما أعمال و قصورات که هر اخلاق شدیداَ مورد انتقاد قرار می­گیرد، در یک جهان تجربی در برابر آن این انتظار را داشت که به هر فردی که توسط آنها آسیب دیده حق درخواست پشتیبانی و امداد را داد. 11- به این ترتیب، احکام قانون بوجود می­آیند که طیف وسیعی از شکایات را محدود می­کند و راه­حل­­هایشان را تنگ ­ترمی­کند. 12- قانونی که شما باید به همسایه ی خود عشق بورزید در قانون اینگونه تفسیر می­شود: شما نباید به همسایه­ی خود آسیبی بزنید، و پرسش وکیل که به اینصورت باید مطرح شود: همسایه­ی من چه کسی است؟ پاسخی محدود دریافت می­کنند."

**Conclusion**

**نتیجه گیری**

1-The link between law and morality is a close and complex one. 2-Furthermore,

علاوه براین پیچیده تنگاتنگ اخلاق قانون بین ارتباط

for both historical and functional reasons, such a relationship is inevitabl~it is

غیرقابل پیش بینی ارتباط چنین دلایل تجربی تاریخی

impossible to conceive of or construct an amoral legal code. 3-In many respects,

در بسیاری از موارد یک کد قانونی غیراخلاقی ساختن اندیشیدن غیرممکن

this is both uncontroversial and beneficial, as it reflects a general moral consensus

یک توافق اخلاقی مشترک منعکس کردن سودمند غیرقابل انکار هردو

in society, thereby enhancing the legitimacy of the law and encouraging

تشویق کردن مشروعیت قانون افزایش بنابراین در جامعه

observance. 4-However, difficulties exist **regarding** the proper response of the law

پاسخ صحیح قانون باتوجه به وجوددارند بااین وجود نظارت

to issues where this consensus has fragmented. 5-Given the benefits that may be

مزایا ازهم پاشیدن توافق آنجاکه مسائل

gained from social development and diversity, the law must seek to establish a

برقراری به دنبال قانون تنوع توسعه ی اجتماعی به دست آید

stable social framework within which such diversity can flourish safely.

به راحتی رشد کند تنوع چنین که درآن چارچوب پایدار اجتماعی

**نتیجه گیری**

1-پیوند بین قانون و اخلاق رابطه ای پیچیده و تنگاتنگ است. 2- علاوه براین، به هردلیلی از لحاظ تاریخی و عملی، چنین رابطه ای غیر قابل پیش بینی است، ممکن نیست که یک کد قانونی غیراخلاقی را بسازیم و یا در مورد آن فکر کنیم. 3- در بسیاری از موارد، این مسأله هم غیرقابل انکار است و هم سودمند، زیرا انعکاسی از یک توافق کلی اخلاقی در جامعه است و به این ترتیب، مشروعیت قانون را افزایش داده و نظارت را تشویق می­کند. 4- با این وجود، با توجه به پاسخ مناسب قانون به مسائل، آنجا که این توافق از بین برود مشکلاتی هم بوجود خواهد آمد. 5- با توجه به مزایایی که ممکن است از توسعه­ی اجتماعی و تنوع به دست آید، قانون باید به دنبال ایجاد یک چارچوب پایدار اجتماعی باشد که درآن چنین تنوعی می­تواند به راحتی گسترش یابد.

**Revision Notes**

یادداشت­های بازنگری

You should now write your revision notes for Law and Morality. Here is an

اینجا اخلاق قانون یادداشت­های مرور بنویسید باید

example for you and some suggested headings:

برخی عناوین پیشنهادی مثال

* only intervene to prevent harm to others (Schur, Hart)

دیگران آسیب زدن جلوگیری مداخله

* boundary between public/private? **(e.g. drug** use)

استعمال مواد خصوصی همگانی بین مرزی

* really “victimless”?

بدون قربانی وافعا

* paternalist intervention justified?

موجه مداخله پدرخواندگی

UrM<D-lntro (nature of legal/moral codes) UrMe-Historical/Functional links UrM~oral Influence in English law UrM©-Libertarian Approach UrM$-Liberal approach

UrM$-Duty / Aspiration Approach UrM0-Conclusion

**یادداشت­های بازنگری**

اکنون باید یادداشت­های بازنگری خود را برای قانون و اخلاق بنویسید، در اینجا تعدادی عنوان پیشنهادی و یک نمونه وجود دارد:

* تنها در صورت جلوگیری از آسیب به سایرین دخالت کند.
* مرز بین خصوصی/ عمومی (مثال استعمال مواد)
* واقعاَ "بدون قربانی"؟
* آیا مداخله­ی پدرسالار موجه شده است؟

Uling your cards, you should now be able to write a short paragraph in responae to

در پاسخ به پاراگرافی کوتاه بنویسید قادر هستید باید با استفاده از کارتهایتان

each of the following questions:

هریک از سوالات زیر

1. Define and differentiate between legal and morals a»des.

اخلاق قانونی بین تمایز گذاشتن تعریف

1. Why do legal codes tend to have a moral a,mponent?

؟ اخلاق دارد گرایش کدهای قانونی

1. What evidence is there for a moral element in the development of English law?

توسعه­ی قانون انگلیسی عنصر اخلاقی برای مدرک

1. What approaches might the law take to isaues of moral controversy?

مسائل یک مشاجرهِ اخلاقی قانون رویکردها

با استفاده از کارت­های خود باید قادر باشید که پاراگراف کوتاهی در پاسخ به هریک از سؤالات زیر بنویسید.

1-کدهای اخلاقی و قانونی را تعریف کنید و بین آن­ها تمایز بگذارید.

2- چرا کدهای قانونی تمایل به داشتن جزئی اخلاقی دارند؟

3- برای یک عنصر اخلاقی در توسعه­ی قانون انگلیسی چه مدرکی وجود دارد؟

4- قانون ممکن است برای موضوعات یک مشاجره­ی اخلاقی چه رویکردهایی اتخاذ کند؟

~ Law and Justice

عدالت قانون

Key Points

نکات کلیدی

After reading this chapter, you will be able to:

قادرخواهید بود این فصل خواندن بعداز

*,f:J* explain the different definitions of abstract justice;

عدالت انتزاعی تعاریف مختلف توضیح دهید

*,f:J* explain the role of formal justice in the English legal

*قانون انگلیسی نقش عدالت* دهید

system; *,f:J* explain the role of **substantive** justice in

نقش عدالت مادی توضیح دهید

English law.

قانون انگلیسی

**نکات کلیدی**

پس از مطالعه­ی این فصل، قادر خواهید بود تا:

-تعاریف مختلف عدالت انتزاعی را توضیح دهید؛

-نقش عدالت رسمی در نظام قانون انگلیسی را توضیح دهید؛

-نقش عدالت مادی در قانون انگلیسی را توضیح دهید؛

Introduction

پیشگفتار

1-It seems obvious to say the primary aim of any legal system is to deliver justice.

عدالت ارسال کردن نظام قانونی هدف اصلس گفتن واضح بنظرمی رسد

2-However, it is far from obvious what this actually means, as the concept of

مفهوم عدالت به این معناست واضح دور از با این وجود

“justice” is extremely difficult to define. 3-Not only are there different definitions

تعاریف مختلف نه تنها تعریف کردن بسیار مشکل

of justice, but the question “what is justice?” means different things in different

مختلف چیزهای مختلف به این معناست عدالت سؤال عدالت

contexts-is a particular law just? Is the legal system just? Does the combination of

ترکیب آیا نظام قانونی قانون ویژه پس زمینه ها

law and system produce a just result?

یک نتیجه­ی عادلانه تولید نظام قانون

**معرفی**

1**-**بنظر واضح می­آید که هدف اصلی هرنظام قانونی تحقق عدالت است. 2- بااین وجود، معنای واقعی آن از این معنای ساده بسیار فاصله دارد، زیرا "عدالت" بسیار دشوار تعریف می­شود 3- نه تنها تعاریف مختلفی از عدالت وجود دارد، بلکه پرسش "عدالت چیست؟" به معنای چیزهای مختلف در زمینه­های مختلف است- آیا یک قانون خاص فقط؟ آیا نظام قانونی منطقی است؟ آیا ترکیب نظام و قانون نتیجه­ای درست را تولید می­کند؟

Definitions of Justice

تعاریف عدالت

**Aristotlean Justice**

عدالت ارسطویی

1-One of the earliest attempts to formulate a theory of justice was that of **Aristotle.**

**ارسطو نظریه ­ی عدالت فرموله کردن نخستین تلاش­ها**

**2-**He argued that the basis of justice is fairness, and that this takes two forms:

**شکل دو میگیرد عدالت اساس عدالت توضیح داد**

* **clutributive** justice-whereby the law is used to ensure social benefits and burdens

**بارها امتیازات اجتماعی مورد استفاده است به موجب آن عدالت توزیع کننده**

are fairly distributed throughout society;

جامعه درمیان توزیع کرد عادلانه

* **a,rrective** justice-whereby the legal system acts to correct attempts by individuals

افراد توسط تلاش­ها اصلاح فعالیت­ها نظام­های قانونی عدالت ؟

to distwb this fair distribution.

توزیع عادلانه

3-However, we can argue that this simply replaces the question "what is just?" with

عدالت چیست سؤال جایگزین به­سادگی بحث کردن با این وجود

"what is fair?"

عادلانه

**تعاریف عدالت**

**عدالت ارسطوی**

یکی از نخستین کوشش­ها برای تدوین نظریه­ی عدالت را ارسطو انجام داد. او استدلال کرد که پایه­ی عدالت انصاف است و این مسأله به دو شکل مطرح می­شود:

عدالت اداری: به موجب آن نظام قانونی جهت اصلاح تلاش افراد برای ایجاد اختلال در این توزیع عادلانه اقدام می­کند.

عدالت اشتباه: به موجب آن نظام قانونی جهت اصلاح تلاش افراد برای ایجاد اختلال در این توزیع عادلانه اقدام می­کند.

با اینحال ما می­توانیم چنین استدلال کنیم که این به سادگی پرسش "چه چیز منطقی است؟" را جایگزین سؤال "چه چیزی منصفانه است؟" می­کند.

**Utilitarian theory**

نظریه سودآور

1-The central principle of utilitarianism is that society should be organised to

سازمان دادن باید جامعه اصول اصلی سودآوری

achieve the greatest happiness for ~ greatest number. 2-Thus, a law is just where it

قانون بنابراین بزرگترین تعداد بزرگترین شادی بدست آوردن

brings

about a net gain in happiness for the majority, even if this results in increased

افزایش یافت دلایل حتی اگر اکثریت شادمانی بدست آوردن

distress or unhappiness to a minority.3- It is the willingness to trade the

تجارت تمایل اقلیت ناراحتی اندوه

unhappiness of the minority against the happiness of the majority that liberal

آزادی شادمانی اکثریت علیه اندوه اقلیت

theory finds most objectionable in this approach.

رویکرد ناعادلانه ترین پیدا کردن

**نظریه­ی سودمند**

1-اصل اساسی سودگرایی این است که جامعه باید طوری سازمان دهی شود که به بزرگ­ترین حجم شادمانی برای بیشترین افراد دست یابد.2- بنابراین، زمانی یک قانون منصفانه است که شبکه ای از شادمانی را برای اکثریت مردم به ارمغان آورد حتی اگر این امر موجب افزایش ناراحتی و غصه برای اقلیتی از مردم شود. 3-این گرایش به مبادله­­ی ناراحتی اقلیتی از مردم با شادمانی اکثریت مردم است که نظریه­ی آزادی آن را ناخوشایندترین مسأله در این رویکرد می­داند.

**Liberal (or natural rights) theory**

**نظریه حقوق طبیعی آزادی**

1-Liberal theory, in contrast to utilitarianism, judges the justice of any form of

عدالت به هرشکلی داوری کردن سودآوری در تضاد با نظریه­ی آزادی

social rganization by the extent it protects its minorities and most vulnerable

ارزشمندترین اقلیت­ها حفاظت می­کند در حد سازمان دهی اجتماعی

groups. 2-Therefore, liberal theories tend to incorporate notions of natural rights-

مفاهیم حقوق طبیعی ترکیب کردن گرایش نظریه­های آزادی بنابراین گروه­ها

that there are certain basic rights (God-given or otherwise) to which all people are

تمام مردم که در غیر اینصورت حقوق اساسی ویژه وجوددارد

entitled. 3-However, this approach has its own problems, not least in establishing

تأسیس حداقل مشکلات خودش این رویکرد بااین­وجود محق

agreement over the content and extent of any list of “natural” rights, *e.g.* the right

حق لیست حقوق طبیعی حد محتوا موافقت

to vote is now regarded as an essential and universal right. 4-However, for many

برای بسیاری با این وجود یک حق جهانی و ضروری متوجه کردن رأی دادن

years this was subject to a property qualification, and not one to which women

زنان امتیاز مالکیت منوط به سالها

were entitled until this century. 5-A recent attempt to identify a universal set of

مجموعه­ی جهانی حقوق تشخیص دادن تلاش اخیر این قرن تا محق بودند

rights and principles was undertaken by John **Rawls. 6-**Rawls' theory is based

براساس نظریه­ی راولز جان راولز انجام شد اصول حقوق

upon a hypothesis of what a group of individuals, placed in what he termed the

نام برد قرارداشتن گروه افراد فرضیه

“original position”, would agree upon. 7-The original position exists behind a “veil

حجاب پشت وجوددارد موضع اصلی پذیرفتن موضع اصلی

of ignorance", *i.e:* the individuals would not know of their individual talents and

توانایی­های فردی دانستن افراد نادانی

circumstances (whether they are rich or poor, young or old, male or female, able or

توانا زن یا مرد پیر جوان فقیر ثروتمند که­آیا شرایط

disabled, etc.). 8-Therefore, Rawls argues, rational self-interest would lead them to

هدایت کردن علاقه­ی شخصی منطقی می­گوید راولز بنابراین ناتوان

**agree a** set of basic rights and principles that each would find acceptable if it

ق**ابل پذیرش یافتن هریک اصول مجموعه­ای از حقوق بنیادی**

turned out they were the least advantaged of the group. 9-However, persuasive

متقاعد کننده با این وجود گروه با امتیاز حداقل ازآب درآمدند

though this hypothesis may seem, it does not resolve the question of precisely what

دقیقا سؤال جواب دادن بنظر می­رسد فرضیه اگرچه

those rights and principles should be. 10-In fact, it seems to lead back to Aristotle’s

ارسطو به عقب برگردد درواقع باید باشد اصول حقوق

question-what is fair?

عادلانه سؤال

**نظریه­ی آزادی (یا حقوق طبیعی)**

1-نظریه­ی آزادی در مقایسه با سودآوری، داوری در مورد عدالت هر شکلی از نظام اجتماعی تا آ**نجاکه از اقلیت­ها و گروه­های آسیب پذیر محافظت کند را برعهده دارد.2- بنابراین نظریه­های آزادی تمایل دارند که مفاهیم حقوق طبیعی را یک­پارچه کنند- حقوق اساسی ویژه ای وجود دارد (چه به صورت خدادادی و یا صورت های دیگر) که همه­ی مردم محق آن اند. 3-بااین وجود، این رویکرد دارای مشکلات خاص خود است، به ویژه در ایجاد توافق در مورد مضمون و میزان هرگونه فهرست حقوق طبیعی، به عنوان مثال در حال حاضر حق رأی دادن یک حق ضروری وجهانی محسوب می­شود. 4-با این حال­، طی چندین سال مشروط به مالکیت صلاحیت بود و آن هم در مورد زنان صدق نمیکرد چون تا همین قرن از این حق محروم بودند. 5-اخیراَ تلاش­هایی برای شناسایی یک مجموعه­ی جهانی حقوق و اصول توسط جان راولز انجام شده است.6- نظریه­ی راولز براساس فرضیه­ای است که گروهی از افراد در موقعیتی قرار میگیرند که راولز اصطلاحاَ به آن "وضعیت اولیه " میگوید و باید در این شرایط به توافق برسند. 7-وضعیت اولیه در پشت "حجاب بی­خبری" قراردارد، برای مثال افراد اطلاعی از توانایی­های فردی و شرایطشان ندارند (که آیا ثروتمند هستند یا فقیر، جوانند یا پیر، مرد هستند یا زن، سالم­اند یا معلول و...). 8-بنابراین راولز استدلال می­کند که نفع شخصیِ منطقی آن­ها را هدایت می­کند تا برسر مجموعه­ای از اصول و قوانین بنیادی توافق کنند که برای هرکدام قابل قبول است درصورتی که معلوم شود که آن­ها حداقل از این گروه بهره­مند شده­اند.9- بااین حال، اگرچه این فرضیه قانع کننده به نظر می­رسد اما به این سؤال پاسخ نمی­دهد که آن اصول و حقوق باید دقیقاَ چه چیزهایی باشند. 10-درواقع به نظرمی­رسد که به سؤال ارسو برمی­گردیم که "چه چیز عادلانه است؟"**

**Libertarian (or market-based) theory**

نظریه مبتنی بر بازار آزادیخواه

1-Libertarian theory, such as that of Nozick, argues intervention in the natural (or

طبیعی مداخله بحث می­کند همانند نظریه­ی آزادی

market) distribution of advantages (as required by the other theories) is an unjust

ناعادلانه نظریه­های دیگر ضروری توزیع امتیازات بازار

interference with individual rights. 2-Libertarian analysis only permits very limited

خیلی محدود اجازه می­دهد تحلیل آزادیخواهانه حقوق فردی دخالت

intervention to prevent unjust distribution *(e.g.* through theft and fraud).

فریب دزدی از میان توزیع ناعادلانه جلوگیری دخالت

3-Therefore, the question of abstract justice seems as much a political as

سیاسی به اندازه بنظر میرسد پرسش عدالت انتزاعی بنابراین

philosophical one.

فلسفی

**نظریه­ی آزادی­گرایی (یا مبنی بر بازار)**

1-نظریه آزادی گرایی همچون نظریه­ی نوزیک که در مورد مداخله در توزیع طبیعی (یا بازاری) مزایا(همانطور که مورد نیاز سایر نظریه­هاست) گفت گو می­کند، مداخله­ای ناعادلانه در حقوق فردی است. 2- تجزیه و تحلیل آزادیخواهانه تنها دخالت بسیار محدودی جهت جلوگیری از توزیع ناعادلانه (یعنی از طریق سرقت و کلاه­برداری) را مجاز می­داند.

**Justice and the English Legal System**

نظام قانونی انگلیسی عدالت

1-Whether a particular law is just is, therefore, essentially a political question.

یک سؤال سیاسی لزوما بنابراین یک قانون ویژه که­آیا

2- However, consideration must also be given to whether the system is just, and

عادلانه نظام که­آیا باید درنظر گرفتن بااین وجود

whether it produces a just outcome. 3-This involves both formal justice (regarding

باتوجه به عدالت رسمی هردو دربردارد یک نتیجه­ی عادلانه ایجاد می­کند

the system) and **substantive** justice (regarding outcomes):

پی­آمدها باتوجه به عدالت مادی نظام

**عدالت و نظام قانونی انگلیسی**

اینکه آیا یک قانون خاص عادلانه است یا خیر لزوماَ پرسشی سیاسی است. با این حال باید توجه کرد که آیا این نظام منصفانه است یا نه، و آیا نتیجه­ی منصفانه­ای بدست می­دهد یا خیر. این موضوع دربردارنده­ی عدالت رسمی (که به نظام توجه دارد) و عدالت مادی (که به نتایج توجه دارد) است.

**formal justice**

عدالت رسمی

1-This requires a system of independent tribunals for the administration of law and

اداره­ی قانون نظام دادگاه­های مستقل نیازدارد

the resolution of disputes. 2-The formal trial and appellate courts, together with

باهم دادگاه­های تجدیدنظر محاکمه­ی رسمی حل اختلافات

the various

مختلف

fonns of alternative dispute resolution, ensure the English legal system meets this

ملاقات نظام قانونی انگلیسی اطمینان می­دهد حل مناقشات متقابل

require­ment. 3-Formal justice also requires these institutions follow known and

پیروی کردن این نهادها نیازدارد عدالت رسمی موردنیاز

fair rules and procedures. 4-Again, this is met through the rules of due process and

قوانین فرآیند حقوقی ازطریق بازهم روش­ها قوانین عادلانه

fair procedure, rules **regarding the** admissibility of evidence, limitation periods, etc.

دوران محدودیت پذیرش شواهد باتوجه به قوانین شیوه­ی عادلانه

5-An important contribution is also made by the rules of natural justice, *e.g. oudi*

قوانین عدالت طبیعی سهم مهم

*oltemn partan* (both sides must be heard). 6-Finally, it is important that any citizen

ه*رشهروند مهم سرانجام شنیده شود هردو طرف ؟*

with a grievance has access to these institutions. 7-Here we can argue that more

بحث می­کنیم اینجا این نهادها دسترسی دارند شکایت

needs to be done to ensure this, particularly for the poorest and least­ advantaged

حداقل فقیرترین خصوصا حصول اطمینان نیازدارد

sections of society. 8-Refonns under the Aaless to Juatfoe **Act 1999** will hopefully

خوشبختانه قانون بخش­های جامعه

improve this situation.

موقعیت این بهتر کردن

**عدالت رسمی**

1-این نیاز به یک سیستم دادرسی مستقل برای اداره­ی قانون و حل اختلافات دارد.2-محاکمه­ی رسمی و دادگاه­های محاکمه، همراه با انواع مختلف حل اختلافات جایگزین، تصمین می­کنند که نظام قانونی انگلیسی با این الزامات روبرو می­شود. 3-عدالت رسمی همچنین به این نهادها نیاز دارد تا قوانین و رویه­های شناخته شده را دنبال کند. 4- بازهم این امر از طریق قوانین مربوط به پروسه و روش عادلانه، قوانین مربوط به پذیرش شواهد، دوره­های محدودیت و غیره انجام می­شود. 5- همچنین سهم مهمی از طریق قوانین عدالت طبیعی ایجاد شده است، به عنوان مثال  *oudi oltemn partan*(هردو طرف باید شنیده شوند). 6- درنهایت، مهم است که هرشهروندی که شکایتی داشته باشد به این مؤسسات دسترسی دارد. 7- در اینجا ما می­توانیم استدلال کنیم که برای تضمین این امر کارهای زیادی باید انجام شود، به ویژه برای فقیرترین و بی­بهره ­ترین بخش­های جامعه. 8- رونوشتی تحت عنوان the Aaless to Juatfoe **Act 1999 خوشبختانه این وضعیت را بهبود خواهد بخشید.**

**5ubst.antive Justice**

**عدالت مادی**

1-The English legal system has a variety of mechanisms to ensure just outmmes.

نتایج اطمینان دادن تنوع مکانیزم ­ها نظام قانونی انگلیسی

2-Regarding the common law, the principle of *sto~* d«isis, together with devices

دستگاه­ها باهم ؟ اصل قانون مشترک باتوجه به

such as overruling and distinguishing, enable the courts to work towards both the

کارکردن دادگاه­ها قادرکردن تمایز لغو همانند

just develop­ment of the common law itself and a just outcome in any given case.

مورد هر نتیجه­ی منصفانه قانون مشترک توسعه­ی عادلانه

3-A good example of this in the civil law is negligence. 4-First of all, liability will

مسئولیت اول از همه غفلت قانون داخلی یک نمونه­ی خوب

not be imposed on the defendant unless they were at fault in causing injury or loss

فقدان جراحت مسبب به خطا مگر اینکه مدافع تحمیل شدن

to the claimant. 5-Secondly, the defence of contributory negligence allows the

اججازه می­دهد دفاع از سهل انگاری مشترک دوماَ مدعی

court to apportion liability in a just and fair way where the claimant was partly

تاحدی مدعی جاییکه راه عادلانه منصفانه تقسیم مسئولیت دادگاه

responsible for their own damage. 6-In the criminal law, the principles of

اصول قانون جنایی آسیب مسئول

sentencing seek to achieve a just balance between the interests of the victim in

منافع قربانی در بین تعادل منصفانه بدست آوردن جستجو

achieving retribution, of society through deterrence and rehabilitation, and the

توانبخشی بازدارندگی از طریق جامعه دستیابی به مجازات

defendant in ensuring the punishment fits the crime and is not excessive. 7-The

افراطی جرم متناسب تنبیه تضمین مدافع

courts may also tum to the principles of Equity where the strict application of

برنامه­ی سخت افزاری که اصول حقوق صاحبان سهام دادگاه­ها

common law rules would lead to injustice. 8-Furthermore, where the courts are

دادگاه­ها آنجاکه علاوه براین بی عدالتی هدایت کند قوانین عرفی

unable to resolve such issues, because they are dealing with statute or they have

آن­ها مقررات برخورد با چونکه مسائل برطرف کردن ناتوان

reached the limits of proper common law development, Parliament may act to

پارلمان توسعه­ی قانون مشترک محدودیت­های مناسب

remedy matters through legislation (e.g. **Law Reform (Frustrated Contracta) Ad**

**قراردادهای ناامیدانه اصلاح قانون قانونگذاری از طریق مسائل**

1943). 9-Indeed, it is this capacity to be self-correcting that is one of the most

یکی از بیشترین تصحیح خود ظرفیت البته

important aspects of the English legal system’s ability to ensure just outmmes.

نتایج منصفانه حصول اطمینان توانایی نظام قانونی انگلیسی جوانب مهم

**عدالت جایگزین**

1-سیستم حقوقی انگلیسی مکانیزم­های گوناگونی برای تضمین نتایج عادلانه دارد. 2- توجه به یک قانون همگانی، اصل ؟ ، همراه با دستگاه­هایی نظیر حاکمیت و تشخیص، دادگاه­ها را قادر می­سازد تا در هر دو زمینه گسترش عادلانه­ی خود قانون عمومی و به دست دادن نتیجه ای منطقی در هر مورد فعالیت کنند.3- مثال خوبی از این مورد در قانون مدنی، غفلت است. 4- اول از همه، مسئولیت به متهم اعمال نخواهد شد مگر اینکه آن­ها در اسیب رساندن یا خسارت زدن به خواهان گناهکار شناخته شوند. 5- ثانیاَ دفاع از سهل انگاری مشارکتی به دادگاه اجازه می­دهد که مسئولیت را به روشی منصفانه که در آن خواهان تا حدی مسئول خسارت خود باشد تقسیم کند. 6- در قانون کیفری اصول محکومیت در صدد دستیابی به تعادلی منصفانه بین منافع قربانی در گرفتن حق خویش و منافع جامعه از طریق بازدارندگی و توانبخشی است، مجازات متهم با جرم او متناسب باشد و بیش از حد نباشد7- دادگاه­ها ممکن است به اصول برابری توجه کنند که در آن إعمال سختگیرانه­ی قوانین عرفی منجر به بی عدالتی می­شود. 8- علاوه براین، درجاییکه دادگاه­ها قادر به حل چنین مسائلی نیستند، به این خاطر که آن­ها سروکارشان با مقررات است و یا با محدودیت­های گسترش مناسب قانون عمومی مواجه شده اند، پارلمان می­تواند از طریق قوانین راه­حلی برای مسائل پیدا کند. (از جمله اصلاح قانون (قرارداد بی­نتیجه) اعلامیه­ی سال 1943). 9- درحقیقت این ظرفیت اصلاح کردن خود است که یکی از مهمترین جنبه­های توانایی نظام حقوقی انگلیسی برای تضمین نتایج عادلانه به حساب می­آید.

Conclusion

نتیجه گیری

1-Given the variety of essentially subjective, often vague, and sometimes

برخی اوقات مبهم اغلب تنوع اساساَ ذهنی داده شده

contradictory notions of abstract justice, perhaps the best that any system of justice

هرگونه نظام عادلانه بهترین شاید مفاهیم متناقض عدالت انتزاعی

can hope to achieve is justice according to law. 2-It seems this is a task the English

انگلیسی وظیفه بنظر می­رسد قانون براساس عدالت بدست آوردن

legal system is well-equipped to perform, not least in its capacity for development

توسعه ظرفیت حداقل انجام دادن مجهز نظام قانونی

and self-correction.

اصلاح خود

**نتیجه­گیری**

باتوجه به تنوع تصورات ذهنی از عدالت انتزاعی که اغلب مبهم­اند و برخی اوقات متناقض، شاید بهترین مفهوم این باشد که هر نظامی که بتواند به دستیابی به عدالت امید داشته باشد، مطابق قانون این مفهوم عدالت است. بنظر می­رسد که این وظیفه­ای است که سیستم حقوقی انگلیسی مجهز به انجامش است، به ویژه در ظرفیتش برای توسعه و اصلاح خود.

**Revision Notes**

یادداشت­های بازنگری

You should now write your revision notes for Law and Justice. Here is an example

مثال اینجاست عدالت قانون یادداشت­های بازنگری بنویسید باید

for you and some suggested headings:

برخی از عناوین پیشنهاد شده

**W~IJustJce**

• Formal justice requires:

نیاز دازد عدالت رسمی

* Independent tribunals (ELS-trial and appeal courts, ADR, independent judiciary)

قوه­ی قضاییه­ی مستقل دادگاه تجدیدنظر محاکمه دادگاه­های مستقل

* Fair procedures (ELS-due process, admissibility, limitation periods, rules of

قوانین دوران­های محدودیت پذیرش روند قانونی روش ­ها منصفانه

natural justice)

عدالت طبیعی

* Equal access (~less successful here-unmet need-reforms in AJA 1999)

اصلاحات نیاز دارد موفقیت آمیز دسترسی برابر

**یادداشت­های بازنگری**

شما اکنون باید یادداشت­های بازنگری خود را برای قانون و عدالت بنویسید. در اینجا تعدادی عنوان پیشنهادی و مثالی برای شما آورده ایم:

عدالت رسمی نیازمند این موارد است:

-دادگاههای مستقل(دادگاههای تجدید نظر و محاکمه، قوه­ی قضاییه­ی مستقل)

-روش­های منصفانه (روند قانونی، پذیرش، دوران محدودیت، قوانین عدالت طبیعی)

-دسترسی برابر(که این مورد از موفقیت کمتری برخوردار شده و نیازمند اصلاحات است)

L&J<D-Intro L&J~Aristolean Justice L&Je-Utilitarian Justice L&J®-Natural Rights Theory L&J~ Theory L&J.\_Formal Justice L&J0-Substantive Justice L&J~onclusion

Using your cards, you should now be able to write a short paragraph in response to

در جواب یک پاراگراف کوتاه نوشتن قادر خواهید بود باید با استفاده از کارتهایتان

each of the following questions:

هر یک از سوالات زیر

1. Why is such an apparently simple idea as “justice” so problematic?

مشکل آفرین عدالت ایده­ی ساده ظاهراَ چنین چرا

1. Desaibe and comment upon the major theories of justice.

نظریه­های مهم عدالت نظر دادن توصیف کنید

1. To what extent does the English legal system achieve formal justice?

عدالت رسمی بدست آوردن نظام قانونی انگلیسی در چه حدی

1. To what extent does the English legal system deliver substantive justice?

عدالت مادی ارسال نظام قانونی انگلیسی در چه حدی

با استفاده از کارت های خود باید اکنون پاراگراف کوتاهی در پاسخ به هر یک از سؤالات زیر بنویسید:

1-چرا ایده­ی ظاهراَ چنین ساده­ای تحت عنوان "عدالت" چنان مشکل ساز است؟

2-نظریات مهم عدالت را توضیح داده و آن ها را تفسیر کنید.

3- تا چه حدی نظام قانونی انگلیسی عدالت رسمی را به دست می­آورد؟

4-تا چه حدی نظام قانونی انگلیسی عدالت مادی را به انجام می­رساند؟

~ **The Judge as Law-maker**

**قانون گذار قاضی**

**Key Points**

**نکات کلیدی**

After reading this chapter, you will be able to:

قادر خواهید بود این فصل پس از مطالعه

*/;)* describe how judges are involved in the law-making

قانونگذاری درگیر قضات توضیح دهید

process; */;)* dilCUU the different judicial styles of law-

سبک­های مختلف قضایی قانون

malcing;

/:J **dilCU88** the difference between issues of principle and issues

مسائل مسائل اصلی بین تفاوت

of policy; */;)* **evaluate** the proper role of the judiciary in the law-

در قانون نقش مناسب قوه­ی قضاییه ارزیابی

making process; */;)* identify potential improvements to the process

فرآیند بهبود بالقوه شناسایی فرآیند ساخت

of judicial law-malcing.

قانونگذاری قضایی

**قاضی به عنوان قانونگذار**

**نکات کلیدی**

پس از خواندن این فصل، قادر خواهید بود تا:

-توصیف کنید که چگونه قضات درگیر پروسه­های قانونگذاری اند؛

-سبک های مختلف قانونگذاری قضایی را توضیح دهید؛

-تفاوت بین مسائل اصلی و مسائل سیاست را توضیح دهید؛

-نقش مناسب قوه­ی قضاییه در پروسه­ی قانونگذاری را ارزیابی کنید؛

-پیشرفت­های بالقوه­ی فرآیند قانونگذاری قضایی را شناسایی کنید؛

**The Role of the Judge**

نقض قاضی

Judges are involved in the law-malcing process in a number of ways, through:

تعدادی از روش ها فرآیند قانون خنثی کردن درگیر قضات

* their participation in various advisory committees, commissions and inquiries;

سوالات کمیسیون­ها کمیته­های مشورتی مختلف شرکت

* the participation of the Law Lords in the legislative business of the House of

کسب و کار قانونی همکاری افسران قانون

Lords-­though this is limited by convention to law reform measures and issues of

مسائل ابزارهای اصلاح قانون کنوانسیون محدود گرچه ارباب

**legal** technicality;

فنی قانونی

* their role as the definitive interpreters of legislation;

مفسران قطعی قانون نقش

* their responsibility for the development and evolution of the common law and

تکامل قانون مشترک توسعه مسئولیت پذیری

Equity.

انصاف

1-For many years the judiciary denied any law-malcing role, arguing they merely

صرفاَ بحث میکنند هر نقش حقوقی انکار شده قوه­ی قضاییه بسیاری سالها

declared the **law as** laid down by statute or fundamental principles of common law.

اصول اساسی قانون همگانی مقررات گذاشته شده اعلام کردن

2-However, the modern judiciary has increasingly abandoned the fiction of this

داستان رها شده به طور افزاینده قوه­ی قضاییه­ی مدرن با این وجود

declaratory approach and aclcnow­**ledged** they do exercise a law-malcing role.

یک نقش قانونی تمرین کردن اذعان کردن رویکرد اعلامیه

**Lee argues** there are three main factors that influence judicial law-malcing:

**قانونی قضایی نفوذ فاکتورهای اصلی وجود دارد میگوید**

• previous history of legislative development

توسعه­ی قانونی سابقه­ی قبلی

* consequences of the present law and the likely consequences of any given change.

پی آمدهای هر گونه تغییر احتمالا پی آمدهای قانون کنونی

* judiciary’ s own perception of the proper limits of their law-making role.

محدودیت های مناسب نقش قانونی آنها ادراک خود قضایی

نقش قاضی

**قضات در روند فرآیند قانونی از چندین طریق مشغول به کارند:**

* **مشارکتشان در کمیته­های مختلف مشاوره، کمیسیون­ها و سؤالات؛**
* **مشارکت افسران قانون تجارت قانونی مجلس اعیان- اگرچه این توسط کنوانسیون محدود به قانون اصلاح اقدامات و مسائل تکنولوژی قانون می­شود؛**
* **نقش آن­ها به عنوان مفسران قطعی قوانین؛**
* **مسئولیت آن­ها برای پیشرفت و تکامل قانون همگانی و برابری.**

**سال­های زیادی قوه­ی قضاییه هرگونه نقش قانونی را لغو کرد و ادعا می­کردند که آن­ها صرفاَ قانونن را همانطور که در قوانین و مقررات و اصول اساسی قانون همگانی قید شده بود اعلام می­کردند، با این وجود، قوه­ی قضاییه ­ی مدرن به طور فزاینده ای داستان این رویکرد اعلام شده را رها کرده و اعلام داشته که نقشی قانون محور را به انجام می­رساند:**

**لی استدلال می­کند که سه فاکتور اصلی وجود دارد که بر قانونگذاری قضایی تأثیر می­گذارد:**

* **تاریخچه­ی قبلی توسعه­ی قانونی؛**
* **پی­آمدهای قانون کنونی و عواقب احتمالی هر تغییر انجام شده ای؛**
* **ادراک قوه­ی قضاییه از محدودیت­های مناسبِ نقش قانونگذاریشان؛**

**Principles and Policies**

سیاست­ها اصول

Given this variety of influences, it is not surprising that differences can be

تفاوت­ها حیرت­انگیز تنوع تأثیرات

observed in judicial approach. Harris contrasts two judicial “styles”:

دو سبک قضایی متضاد رویکرد قضایی مشاهده

* **Formal Style,** haracterized by caution and a tendency to rely on formal devices

**دستگاه­های رسمی تکیه بر گرایش احتیاط مشخص سبک رسمی**

such as distinguishing.

تمایز همانند

* **Grand Style,** characterised by boldness and a willingness to recognise issues of

مسائل شناسایی تمایل جسارت مشخص سبک گرند

policy as well as principle.

اصل همچنین سیاست

**Paterson** observed similar variations in judicial approaches to “hard” cases:

**پرونده سخت رویکردهای قضایی تغییرات مشابه مشاهده کردن**

* **Positive response** (similar to the Grand Style).

**سبک گرند شبیه به پاسخ مثبت**

* **Adaptive response** (similar to the Formal Style).

س**بک رسمی شبیه به پاسخ سازگار**

* **Withdraw** on the basis that the proposed change is properly one for Parliament to

پارلمان به درستی تغییر پیشنهادی اساس کنار کشیدن

make.

**اصول و سیاست­ها**

با توجه به تنوع تأثیرات، حیرت آور نیست که می­توان تفاوت­ها را از رویکرد قضایی مورد توجه قرار داد. هریس دو سبک قضایی را مقایسه می­کند:

* **سبک رسمی**، که مشخصه­های آن احتیاط و گرایش به دستگاه­های رسمی همچون تشخیص است.
* **سبک گراند**، که مشخصه­های آن جسارت و تمایل به تشخیص مسائل سیاسی و همچنین اصول است.

پترسون تغییرات مشابهی در رویکردهای قضایی به موارد "سخت" را مورد توجه قرار داد:

* **پاسخ مثبت:** (شبیه به سبک گراند)
* **پاسخ تطبیقی:** (شبیه به سبک رسمی)
* نپذیرفتن براین اساس که تغییر پیشنهادی به درستی چیزی است که پارلمان باید انجام دهد.

1-The majority of judges would seem to adopt the formal or adaptive position.

موقعیت تطبیقی رسمی اتخاذ کردن اکثریت قضات

2-However, a minority of judges, particularly in the higher courts, have always

دادگاه­های عالی خصوصاَ اقلیت قضات بااین وجود

followed a more adven­turous path *(e.g.* the different positions adopted by **Lords**

**اتخاذ موقعیت های مختلف یک مسیر پرشورتر دنبال کردن**

**Wilberforce** and Scarman in *Mcloughlin v. O'Brian* (1982)). 3-More recently, the

اخیرا

House of Lords, dealing with an appeal regarding manslaughter by provocation,

تحریک قتل عام باتوجه به درخواست در برخورد با مجلس اعیان

allowed Liberty, Justice for Women and Southall **Black** Sisters to make

خواهران سیه چرده زنان عدالت آزادی مجاز

submissions on behalf of domestic violence victims (R. *v. Smith* (2000)). 4-These

از طرف قربانیان خشونت خانگی ارسال مقالات

different styles or responses draw our attention to the distinction between law-

بین تمایز توجه ما جلب کردن سبک های مختلف

making according to established principles and law-making according to policy

سیاست مطابق قانوگذاری اصول ایجاد شده مطابق قانونگذاری

considerations. 5-It is generally felt judges should confine their attention to issues

مسائل توجه محدود کردن قضات عموما ملاحظات

of principle, as these are seen as politically neutral. 6-It is for Parliament to

پارلمان خنثی از لحاظ سیاسی وجود دارد اصلی

determine the political acceptability or otherwise of any judicial development

در غیر اینصورت از هرگونه پیشرفت قضایی پذیرش سیاسی تعیین کردن

according to principle. 7-However, this is something of a false distinction as the

تمایز اشتباه چیزی با این وجود اصل مطابق

boundary between principle and policy is easily blurred. 8-Furthermore,

علاوه بر این تار شده سیاست اصل بین مرز

Parliament, as we have seen earlier, cannot be expected to legislate for everything.

همه چیز قانونگذاری انتظار میرود زودتر پارلمان

9-In **a** common law system, judges not only have scope for law-making but, as

قانونگذاری محدوده تنها قضات یک سیستم قانونی رایج

**Lord Lane** pointed out in *R. v. R. (rape: marital exemption)* (1991), are under a duty

**وظیفه اشاره به**

to do so, provided this is done in the context of a proper regard for the superior

نقش مهمتر پارلمان پیش زمینه ی توجهی صحیح ارائه شده است

role of Parliament. 10-One judge to have written on this relationship was Lord Devlin.

لورد دولین رابطه نوشته است یک قاضی

11-He drew a distinction between:

بین تمایز گذاشتن

* **activist** law-making-by which he meant changing and developing the law **in**

**قانون توسعه تغییر تعبیر کرد قانونگذاری فعال**

**response to** changes in the social consensus.

توافق اجتماعی تغییرات پاسخ به

* **dynamic** law-making-by which he meant changing and developing the law **in**

قانون توسعه تغییر تعبیر کرد قانونگذاری پویا

**order** **to promote** change in the social consensus.

اتفاق نظر اجتماعی تغییر ترویج

1-بنظر می­رسد که اکثر قضات موقعیت رسمی یا تطبیقی را اتخاذ کنند. 2- بااین وجود، اقلیتی از قضات، خصوصآ در دادگاه­های عالی، همیشه راه ماجراجویانه تری را دنبال کرده اند (مثلاَ موقعیت­های مختلفی که لورد ویلبرفورس و اسکارمن در *Mcloughlin v. O'Brian* (1982)). 3- اخیراَ مجلس اعیان، درگیر درخواستی مربوط به قتل عام به وسیله­ی تحریک بود و اجازه داد تا آزادی، عدالت برای زنان و خواهران Southall Black اعتراضاتی به طرفداری از قربانیان خشونت خانگی انجام شود(R. *v. Smith* (2000)). 4- این سبک­ها و یا پاسخ­های گوناگون توجه ما را به سمت تمایز بین قانونگذاری طبق اصول تعیین شده و قانونگذاری بر اساس ملاحضات سیاست جلب می­کند. 5- تفکر عمومی به اینطور است که قضات باید توجهشان را به مسائل اصلی معطوف کنند، چراکه آن­ها به لحاظ سیاسی بی­طرف هستند.

6- این وظیفه­ی پارلمان است که پذیرش سیاسی را تعیین کند یا در غیر اینصورت باید پذیرش هرگونه توسعه­ی قضایی مطابق اصول را معین کند. 7- با این وجود، این چیزی است که تمایزی نادرست به شمار می­آید، زیرا مرز بین اصل و سیاست به آسانی تار می­شود. 8-علاوه بر این، همانگونه که قبلا مشاهده کردیم از پارلمان نمی­توان انتظار داشت که همه چیز را قانونگذاری کند. 9- در یک سیستم قانونی همگانی، قضات نه تنها برای قانونگذاری آزادی عمل دارند بلکه همانطور که لورد کین در *R. v. R. (rape: marital exemption)* (1991) اشاره کرد، مؤظف به انجام چنین کاری هستند، به شرط آنکه در متن توجهی مناسب به نقش برتر پارلمان داشته باشند. 10- یکی از قضاتی که در این رابطه نوشته است لورد دِولین بود. 11- او تمایزی بین موارد زیر قائل شد:

* **قانونگذاری فعال-** که توسط آن او به دنبال تغییر و توسعه­ی قانون در پاسخ به تغییراتی در توافق عمومی بود.
* **قانونگذاری پویا-** که توسط آن او به دنبال تغییر و توسعه­ی قانون به منظور افزایش تغییر در توافق اجتماعی بود.

1-For Lord Devlin, while it was proper for judges to engage in activist law-

قانونگاری فعال قضات مناسب درحالی که لورد دولین

making, dynamic law-making should be left to Parliament. 2-He also pointed

اشاره کرد پارلمان باید قانونگذاری فعال

out judges had far less scope and authority for law-making when dealing with

برخورد با هنگام قانونگذاری دولت دامنه­ی کمتر قضات

statute than with the common law.

قانون مشترک مقررات

3-Therefore, while allowing for variations in judicial approach, it seems clear

بنظر می­رسد رویکرد قضایی تغییرات اجازه دادن بنابراین

there are three main constraints on judicial law-making:

قانونگذاری قضایی سه محدودیت اصلی وجوددارد

* the judge is bound by the rules of precedent when dealing with the common

عمومی برخورد با قوانین سابق محدود داوری

Jaw;

قانون

* the judge is bound by the rules of statutory interpretation when dealing with

برخورد با قوانین تفسیر قانونی محدود داوری

statutes;

مقررات

* the judge is bound by his own perception of the proper limits of the judiciary’s

محدوده­ی مناسب قوه­ی قضاییه ادارک خود محدود قضوه­ی قضاییه

law­making role and of the superior role of Parliament in the law-making

قانونگذاری نقش برتر پارلمان نقش قانونی

partnership with the courts.

دادگاه­ها مشارکت

به نظر لورد دِولین هنگامی که برای قضات پرداختن به قانونگذاری فعال مناسب بود، قانونگذاری پویا باید به عهده­ی پارلمان گذاشته شود. او همچنین اشاره کرد که قضات هنگام رسیدگی به مقررات نسبت به قانون عمومی دامنه­ی اختیار محدودتر و قدرت کمتری برای قانونگداری دارند.

بنابراین درحالی که اجازه می­دهد تا تغییرات در رویکرد قضایی روی دهند، روشن است که سه قاعده­ی اصلی در قانونگذاری قضایی وجود دارد:

* قاضی به وسیله­ی قواعد از پیش تعیین شده در هنگام برخورد با قانون همگانی مسئؤل است؛
* قاضی از طریق قواعد تفسیر قانونی به هنگام سروکار داشتن با مقررات متعهد است؛
* قاضی از طریق ادراک خود از محدودیت­های مناسب نقش قانونگذاری قضایی و محدودیت­های نقش برتر پارلمان در مشارکت قانونگذاری با دادگاهها متعهد است.

**Improving the System**

بهبود نظام

1-Defined and limited in this way, judicial law-making is an important and

مهم قانونگذاری قضایی این راه محدود به تعریف شده

beneficial aspect of the law-making process in a common law system. 2-The

یک قانونی رایج فرآیند قانونگذاری جنبه­ی مفید

fact that much of the law of contract and negligence is still the product of

محصول هنوز غفلت قانون قرارداد بیشتر

common law development, with only limited statutory intervention, is proof of

اثبات محدودیت قانونی مداخله تنها توسعه­ی قانون مشترک

the judiciary’s capacity to develop sound and just principles of law. 3-There

اصول منصفانه­ی قانون پیشرفت ظرفیت قوه­ی قضاییه

are, however, a number of reforms that could enhance the effectiveness of this

اثربخشی این نقش افزایش دادن شماری از اصلاحات بااین وجود

role:

نقش

* **formal procedure** by which the courts could refer issues to Parliament when it

ز**مانیکه پارلمان مسائل اشاره دادگاه­ها روش رسمی**

is felt that further development is beyond the scope of legitimate judicial law-

محدوده­ی قضایی قانونگذاری ورای توسعه ی بیشتر

making

* introduction of an **independent advisor** in the appellate courts to perform a

اجرا کردن دادگاه استیناف معرفی یک مشاور مستقل

similar role to the Advocate General in the Court of Justice of the European

دادگاه عدالت اتحادیه­ی اروپا دادستان کل نقش مشابه

Union;

* provision of **research attorneys** to the judiciary in the appellate courts.

دادگاه استیناف قوه­ی قضاییه ارائه­ی وکلای تحقیقاتی

1-Following a pilot scheme in 1997, judges in the Court of Appeal are now

هم اکنون دادگاه تجدیدنظر قضات یک طح آزمایشی به دنبال

provided with **Judicial Assistants** (appointed on a full or part-time basis for up

اساس پاره وقت کامل منصوب به دستیاران قضایی ارائه شده

to one year). 2-In 2000, this was extended to the House of Lords with the

مجلس اعیان تمدید شد

appointment of **Legal Assistants** on one-year contracts to assist the Law Lords.

افسران قانون کمک کردن قراردادهای یکساله انتصاب مشاوران حقوقی

3-We should also note that if the judiciary is to continue with its law-making

نقش قانونگذاری آن ادامه دادن قوه­ی قضاییه توجه کنیم باید

role, and give increasing consideration to issues of policy, at least in the higher

حداقل مسائل افزایش توجه دادن

courts, then it becomes even more urgent to take steps to ensure:

مطمئن شدن گام برداشتن ضروری تر حتی می شود دادگاه­ها

* the judiciary is trained effectively to discharge this role;

این نقش تخلیه به طور مؤثر تربیت شده قوه­ی قضاییه

* the social, racial and gender composition of the judiciary **becomes more**

می شود قوه ی قضاییه ترکیب جنسیتی نژادی اجتماعی

representative of society at large.

در مقیاس بزرگ نماینده

**بهبود سیستم**

1-قانونگذاری قضایی که بدین شیوه تعریف و محدود شده است، یکی از جنبه­های مهم و مفید از روند قانونگذاری در یک نظام قانونی مشترک به شمار می­رود. 2- این حقیقت که اکثر قوانین مربوط به قرارداد و سهل انگاری همچنان محصول توسعه­ی مشترک و تنها با مداخله­ی محدود قانون مدون می­باشد، نشان دهنده­ی ظرفیت قوه­ی قضاییه برای ایجاد اصول درست و دقیق مربوط به قانون است. 3- با این حال، چندین اصلاحیه وجود دارد که می­تواند اثربخشی این قانون را افزایش دهد:

* روند رسمی که دادگاه­ها می­توانند از آن طریق دعاوی را به مجلس ارجاع دهند، زمانیکه احساس کنند توسعه­ای فراتر از محدوده­ی قانونگذاری قانونی وجود خواهد داشت.
* معرفی یک مشاور مستقل در دادگاه­های محاکمه به دادگستری کل در دادگاه اتحادیه­ی اروپاجهت انجام نقش مشابه
* تهیه­ی وکیل تحقیقاتی برای قوه­ی قضاییه در دادگاه­های استینافی.

1- پس از یک طرح آزمایشی در سال 1997، قضات در دادگاه تجدیدنظر تا به اکنون از دستیاران قضایی بهره­مند بوده اند (که این موضوع با انتصاب دستیاران به مدت یک یا چند سال به صورت تمام وقت یا نمیه وقت منصوب می­گردند).2- در سال 2000 این موضوع با انتصاب دستیاران حقوقی در قراردادهای یک ساله برای کمک به افسران قانون به مجلس ارمنستان گسترش یافت. 3- ما همچنین باید توجه داشته باشیم که اگر قوه­ی قضاییه بخواهد به نقش قانونگذاری ادامه دهد، و توجه بیشتری (حداقل در دادگاه­های عالی) به مسائل مربوط به سیاست داشته باشد باید اقدامات لازم را ترتیب دهد تا مسائل زیر را تضمین کند:

* قوه قضاییه به صورت مؤثر و کارآمد جهت برعهده گرفتن این نقش آموزش دیده است؛
* ترکیب اجتماعی، نژادی و جنسیتی قوه قضاییه بیشتر نمایانگر جامعه در طیف وسیع تر می­شود.

**Conclusion**

نتیجه گیری

1-Regarding the judge as law-maker, it is clear that judicial law-making must **be**

**باید قانونگذاری قضایی واضح قانونگذار قاضی باتوجه به**

**an** important element within any common law system. 2-It is a role that the

**نقش هر نظام قانون مشترک یک عنصر مهم**

English judiciary currently performs both well and responsibly, though steps could

گام ها اگرچه مسئولانه خوب انجام میدهد هم اکنون قوه­ی قضاییه انگلیسی

be taken to improve this still further, most notably through enhancing the

افزایش ازطریق به طور ویژه بیشتر هنوز بهتر کردن

provision of research attorneys to the senior judiciary.

قوه­ی قضایی ارشد ارائه­ی وکلای تحقیقاتی

**نتیجه گیری**

1-با درنظر گرفتن قاضی به عنوان قانونگذار، روشن است که قانونگذاری قضایی باید یک عنصر مهم در هر نظام از حقوق مشترک تلقی شود. 2- این نقشی است که در حال حاضر قوه­ی قضاییه انگلیسی به خوبی و مسؤلانه به انجام می­رساند اما گام­های دیگری می­توان جهت بهبود آن خصوصاَ از طریق افزایش وکالت تحقیقاتی در قوه قضایی ارشد برداشت.

Revision Notes

یادداشت­های بازنگری

You should now write your revision notes for The Judge as Law-maker. Here is an

اینجا قانونگذار قاضی یادداشت­های بازنگری نوشتن باید

example for you and some suggested headings:

برخی از عناوین پیشنهادی مثال

*JIJ'ff>--,Judao* and *Parliament*

* In CL system, judges under duty to develop law in partnership with **Parl .**

**مشارکت قانون توسعه وظیفه طبق قضات سیستم**

* Judges’ approach must reflect superior role of Parl, and that judges’ role is to

نقش قضات نقش برتر منعکس کردن رویکرد قضات

follow consensus, not promote own policy.

سیاست ترویج اتفاق نظر

* Devlin:

./ Activist-changing law in response to changes in **social**

**اجتماعی تغییرات پاسخ قانون درحال تغییر فعال**

**consensus.** ~ Dynamic-changing law to promote change in

**تغییر ترویج قانون تغییر دینامیک اتفاق نظر**

**social consensus.**

**اتفاق نظر اجتماعی**

**یادداشت­های بازنگری**

اکنون باید یادداشت­ها بازنگری خود را برای قاضی و قانونگذار بنویسید. در اینجا مثال و تعدادی عناوین پیشنهادی برای شما ارائه کرده ایم:

* در سیستم CL، قضات طبق وظیفه شان برای توسعه ی قانون در با Parl همکاری میکنند.
* رویکرد قضات باید نقش برتر Parl را منعکس کند و آن نقش قاضی برای دنبال کردن توافق است نه ارتقاء سیاست خود.
* دِولین:

قانون تغییر فعال در پاسخ به تغییرات در توافق اجتماعی.

قانون تغییر پویا برای ارتقاء تغییر در توافق اجتماعی.

JLM©-Intro (judicial involftmmt in **law-making)** JLMa>-Judicial Styles

JLMe-Principle v. Policy

JLM©-Judges and Parliament JLM$-Improvements

JLM$-Conclusion

Using your cards, you should now be able to write a short paragraph in response to

در جواب پاراگراف کوتاه نوشتن اکنون باید با استفاده از کارتها

each of the following questions:

هر کدام از سوالات زیر

1. Describe the various ways judges are involved in law-making.

قانونگذاری درگیر قضات روش های مختلف توضیح

1. What different styles of judicial law-making have been observed by

نظارت شده اند قانونگذاری قضایی روش های مختلف

commentators?

مفسران

1. Discuss the difference between considerations of policy and principle.

اصل ملاحظات سیاست بین تفاوت مطرح کنید

1. What is the proper role of the judges in developing the law in partnership with

مشارکت قانون پیشرفت قضات نقش مناسب

Parliament?

پارلمان

1. How could the system be improved to help judges in their law-making role?

**نقش قانونگذاری قضات بهتر شدن نظام**

**اکنون با استفاده از کارتهای خود میتوانید درپاسخ به هریک از سوالات زیر یک پاراگراف کوتاه بنویسید:**

**1-روش­های مختلفی را که با استفاده از آن قضات در قانوگذاری دخالت دارند را شرح دهید.**

**2-کدام سبک­های متنوع قانون قضایی در قانونگذاری دخالت دارند؟**

**3-تفاوت بین ملاحظات سیاست و اصل را توضیح دهید.**

**4-نقش اصای قضات در توسعه قانون در همکاری با پارلمان چیست؟**

**5-سیستم چگونه میتواند بهبود یابد تا به قضات در نقش قانونگذاریشان کمک کند؟**

**Useful Websites**

**وب سایت­های مفید**

~ For websites relating to the judiciary, see those listed at the end of Chapter 10.

پایان فصل 10 فهرست بندی قضایی مربوط به وب سایت­ها

~ fault and Liability

مسئولیت کوتاهی

Key Points

نکات کلیدی

After reading this chapter, you will be able to:

قادرخواهید بود این فصل مطالعه

/;J deacribe and evaluate the role of fault in aiminal

نقش کوتاهی در مسئولیت دربرابر حیوانات توضیح

liability; /;J deacribe and evaluate the role of fault in

نقش کوتاهی ارزیابی کردن توضیح مسئولیت

**tortious** liability; /;J desaibe and **evaluate** the role of fault

**نقش کوتاهی ارزیابی توضیح مسئولیت خطا**

in contractual liability.

در مسئولیت­های قراردادی

**نکات کلیدی**

پس از مطالعه­ی این فصل قادر خواهید بود تا:

-نقش خطا در مسئولیت موقت را توضیح دهید و ارزیابی کنید؛

-نقش خطا در مسژلیت خطا را توصیف و ارزیابی کنید؛

-نقش خطا در مسؤلیت­های قراردادی را توصیف و ارزیابی کنید.

**Introduction**

معرفی

1-We have seen in our earlier examination of the aiminal law, tort, and contract

قرارداد قانون موقت آزمایش پیشین دیده است

that liability is frequently bound up with notions of fault. 2-However, we have also

با این وجود مفاهیم قصور با مکرراَ مسئولیت

seen that different forms of liability employ different notions of fault, and indeed in

البته مفاهیم مختلف قصور به کارگیری اشکال مختلف مسئولیت

some instances proof of fault is not required at all. 3-We should now consider the

در نظر گرفتن باید اصلا ضروری برخی از موارد اثبات قصور

extent to which fault both is and should be the basis of liability.

اساس مسئولیت باید هردو کوتاهی حد

**معرفی**

1-ما در بررسی قبلی خود از قانون اصلی، جریمه وقرارداد شاهد بودیم که تعهد اغلب جزء لاینفکی از مفاهیم مرتبط با خطا بوده است. 2-با این وجود شاهد این نیز بوده­ایم که اشکال مختلف تعهد شامل مفاهیم مختلفی از خطا می­شود و در بعضی موارد اثبات خطا ابداَ مورد نیاز نیست. 3-اکنون باید حدودی که خطا وجود دارد و میزانی که باید اساس تعهد را شکل دهد در نظر بگیریم.

**Crime and fault**

قصور جنایت

1-The aiminal law is perhaps the most obvious candidate for fault-based liability.

مسئولیت بر اساس کوتاهی واضح ترین نامزد شاید قانون حیوانات

2-A person should not be found guilty of a aime and, at least potentially, deprived

محروم به طور بالقوه تقریباَ گناهکار نباید باشد یک شخص

of their liberty without proof of individual fault. 3-This insistence upon fault can be

می تواند باشد اصرار اثبات خطای فردی بدون آزادی آن­ها

seen in the general requirements of liability-the *octus* m,s and *mens* rm. 4-We can also

همچنین الزامات کلی مسئولیت

argue the absence of fault is the underlying rationale for the various general

دفاع­های عمومی مختلف منطق اساسی نبود قصور

defences. 5-Finally, the degree of fault shown is a major determining factor in

عامل اصلی تعیین کننده درجه ای از قصور سرانجام

sentencing.

6-Regarding the *octus mis,* the **general** requirement of a positive, voluntary act and

اقدام داوطلبانه نیاز عمومی یک اقدام مثبت مطالعه­ی

the limited liability for omissions are evidence of the need for fault, as is the

شواهدی از نیاز اشکالات مسئولیت محدود

requirement of

مورد نیاز

causation in relation to result crimes-if the defendant did not cause the unlawful

غیرقانونی موجب نمیشود مدافع جنایات پیش آمده در ارتباط با علیت

conse­quence, it is not his fault and hence he is not liable.

مسئول بنابراین کوتاهی پیامدها

7-The different states of mind employed to construct the *mens rta* of different

متفاوت ساختن به کارگیری حالات مختلف ذهن

offences demonstrate the relationship between degree of fault and liability. 8-

مسئولیت درجه ی قصور بین روابط نشان دادن جرایم

Generally, **a person can** only be convicted of the most serious offences on proof of

اثبات بیشترین جرایم جدی محکوم شده یک شخص عموماَ

intention to commit that offence. 9-Less serious offences may be committed

مرتکب شود جرایم جزئی تر جرم ارتکاب قصد

recklessly, and minor offences, frequently of a regulatory nature, can be committed

ارتکاب ماهیت نظارتی مکرراَ جرایم جزئی بی پروا

negligently.

سهل انگاری

10-Some defences, such as automatism, operate by showing lack of fault through

نبود قصور نشان دادن عمل کردن اتوماتیک برخی دفاع­ها

the involuntary nature of the defendant’s conduct. 11-Others, such as insanity and

جنون همانند دیگران رفتار متهم ماهیت غیر ارادی

intoxication, operate by establishing a lade of mental control or awareness on the

آگاهی برقراری باری از کنترل ذهنی عمل کردن مسمومیت

part of the defendant Still others, such as duress and self-defence, operate by

عمل کردن دفاع از خود فشار همانند سایرین آن بخش از متهم

establishing that the defendant’s conduct was justified or should be excused. 12-

عذرخواهی باید موجه رفتار متهم برقراری

Finally, the partial defences to murder, such as provocation and diminished

کاستن تحریک همانند قتل دفاع جزئی سرانجام

responsibility, demonstrate a lesser degree of fault resulting in conviction for the

محکومیت منتج از درجه­ی پایین تری از خطا نشان دادن مسئولیت

lesser offence of manslaughter.

جرم کمتر از کشتار

13-The degree of fault on the part of the defendant also plays a very significant

مهم بازی آن بخش از متهم درجه­ی کوتاهی

role in sentencing. 14-Both the type of sentence imposed (custodial, community or

جامعه زندان تحمیل کردن نوع حکم هردو محکومیت

fine) and its severity is in large part determined by the degree of fault shown by the

نشان دادن درجه­ای از قصور مشخص در قسمت بزرگ شدت

defendant. 15-This can also be seen in the impact of both aggravating and

تشدید هردو تأثیر دیده شده همچنین متهم

mitigating factors. 16-This is why some are opposed to the use of minimum and

استفاده از حداقل ها مخالف به این خاطر عوامل کاهش دهنده

mandatory sentences, as they break the relationship between the degree of fault

درجه­ی کوتاهی بین روابط خراب کردن احکام اجباری

present in the offence committed and the sentence imposed.

تحمیل شده حکم مرتکب جرم حاضر

17-However, we have also seen there is a limited role for strict liability in the

مسئولیت سنگین نقش محدود وجود دارد همچنین با این وجود

criminal law. 18-In relation to both regulatory offences and offences of social

جرایم خطرات اجتماعی هردو جنایت قاونی در ارتباط با قانون کیفری

danger, we can argue the interests of society as a whole, determined by Parliament-

پارلمان تعیین کردن کل منافع جامعه بحث کردن

the courts are extremely reluctant to create strict liability offences at common law,

جرایم سخت گیرانه در قانون مشترک ایجاد کردن بی توجه به شدت دادگاه­ها

or even to ecognize them in statute-can sometimes justify the imposition of

اعمال مسؤلیت توجیه کردن برخی اوقات شناسایی حتی

liability without fault. 19-Nevertheless, the degree of fault still plays a role in

نقش بازی کردن درجه ای از کوتاهی با این وجود خطا بدون مسولیت

determining the sentence following conviction.

محکومیت پس از آن تعیین حکم

20-Therefore, both fault and the degree of fault on the part of the defendant can

آن بخش از متهم درجه خطا خطا بنابراین

rightly be said to play a central role in both establishing criminal liability and

مسؤلیت جنایی برقراری هردو نقش اصلی بازی کردن به درستی

sentencing.

**جنایت و خطا**

1- قانون موقتی شاید واضح ترین کاندید برای مسؤلیت مبتنی بر خطا تلقی شود.2- یک شخص نباید به خاطر یک aime (حداقل به طور بالقوه) گناهکار شناخته شود و از آزادی خود بدون اثبات خطای شخصی خود محروم گردد. 3- این امر مبتنی بر خطا را می­توان در الزامات عمومی مرتبط با مسؤلیت مشاهده نمود. 4- ما همچنین می­توانیم ادعا کنیم که فقدان خدا، منطق پایه برای دفاعیات عمومی مختلف است. 5- نهایتا میزان خطای نشان داده شده یکی از عوامل مهم در تعیین محکومیت قلمداد می­شود. 6- با توجه به octus mis ، الزام کلی یک قانون مثبت داوطلبانه، و مسؤلیت محدود برای غفلت­ها شواهدی از لزوم خطا هستند همچون لزوم علیت در رابطه با جرایم حاصل، اگر مدعی علیه موجب پیآمدهای غیرقانونی نشده باشد، آن خطای وی تلقی نخواهد شد و از اینرو او مسؤل نخواهد بود. 7- حالت­های متفاوتی از ذهن برای ایجاد جرائم مختلف، رابطه­ی بین میزان خطا و مسئولیت را نشان می­دهد. 8- به طور کلی یک شخص فقط می­تواند به جرائم جدی در مورد اثبات قصد و نیت ارتکاب ان جرم محکوم شود. 9- جرائم جزئی تر ممکن است ناخودآگاه صورت گیرند و جرائم جزئی (اغلب در رابطه با یک ماهیت نظارتی) می­تواند از روی غفلت سر زنند. 10- برخی دفاعیات، همچون حرکت غیر ارادی با نشان دادن عدم خطا از طریق ماهیت غیرمنصفانه­ی رفتارمتهم عمل می­کنند. 11- سایر موارد همچون دیوانگی و مسمومیت با ایجاد یک فرآیند کنترل ذهنی یا آگاهی از سوی مدعی علیه صورت می­پذیرد. 12- به علاوه سایر موارد همچون رفتار تند و خشن (اجبار) و دفاع از خود با تعیین اینکه رفتار متهمان توجیه شده یا باید رد شود، صورت می­پذیرد. 13- در نهایت دفاع جزیی از قتل، همچون تحریک و کمبود مسؤلیت، درجه­ی کمتری از خطا را نشان می­دهد که منجر به محکومیت به خاطر جرم کمتر از کشتار می­شود. 14-میزان تقصیر و خطا از طرف متهم نیز نقش مهمی در محکومیت دارد. 15- هردونوع حکم صادر شده (زندان، جامعه یا جریمه) وشدت آن تا حد زیادی با میزان خطای سر زده از متهم مشخص می­شود. 16- این امر نیز می­تواند متأثراز دو عامل تشدید کننده و کاهش دهنده باشد. 17- به همین دلیل است که بعضی از آن ها با استفاده از احکام کم و اجباری مخالف هستند، زیرا ارتباط بین درجه­ی خطای موجود در تخلف و تحمیل حکم را از بین می­برد. 18- با این حال ما همچنین شاهد بودیم که مسؤلیت سختگیرانه در قانون کیفری نقش محدودی دارد. 19- در رابطه با جنایات قانونی و جرایم خطر اجتماعی (می­توانیم استدلال کنیم منافع جامعه توسط پارلمان تعیین می­شود- دادگاه­ها شدیدا متخلف به ایجاد جرم های محرمانه ی قضایی در قانون عمومی هستند و یا حتی انان را در قانون می­توان تشخیص داد) گاهی اوقات مسؤلیت بدون خطا توجیه می­شود با این وجود، درجه ی خطا هنوز در تعیین حکم بعد از محکومیت نقش مهمی ایفا میکند.20- بنابراین خطا و درجه­ی خطا از طرف متهم، می توان به درستی گفت که نقش اصلی را در برقراری مسؤلیت جنایی و محکومیت بازی می­کنند.

**Tort and fault**

کوتاهی جرم

1-The aim of tort is to provide a remedy (usually in the form of financial

فرم جبران خسارت مالی معمولاَ راه حل ارائه دادن هدف جرم

compensation) for the victims of wrongs, and fault on the part of the defendant is

آن بخش از متهم قصور قربانیان اشتباهات جبران

the device most generally used to attach liability for this. 2-Negligence liability is

مسؤلیت غلفت مسؤلیت مورد استفاده عموماَ دستگاه

clearly dependent upon proof of lault--a failure

شکست اثبات کوتاهی وابسته به وضوح

to take reasonable care-on the part of the defendant. 3-While” nuisance

مزاحمت زمانی که آن بخش از متهم عاقلانه

liability, as we have seen, may sometimes take on the appearance of strict

ظاهر مسؤلیت سختگیرانه به عهده گرفتن ممکن است دیده ایم مسؤلیت

liability, it remains essentially fault­based-the defendant is liable for failing to

شکست خوردن متهم خطا پایه لزوماَ باقی می­ماند مسؤلیت

meet the reasonable expectations of his neighbours. 4-Furthermore, the general

عمومی با این وجود همسایگان او انتظارات معقول

defences in tort can be said to have their basis in the absence or lesser degree

درجه کمتر نبود اساس گفته شود جریمه دفاعیات

of fault in the same way as those in criminal law.

قانون جنایی آنها که از همان طریق قصور

5-However, it is true to say that strict liability plays a larger role in tort than

جریمه نقش بزرگتر بازی مسؤلیت سنگین گفتن درست با این وجود

criminal law. 6-This is generally in areas where we can argue there are

وجود دارد استدلال کند آنجا که عموماَ قانون کیفری

overriding social concerns in encouraging the greatest possible (rather than

بیشتر از بیشترین امکان تشویق کردن نگرانی های اجتماعی سرپرستی

merely reasonable) care-in ensuring products are safe, hazardous materials and

مواد خطرناک ایمن محصولات توجه عاقلانه صرفاَ

activities are safely dealt with. 7-Hence, strict liability in tort is to some extent

تا حدی جریمه مسؤلیت سنگین بنابراین برخورد با مطمئن فعالیت­ها

deployed regarding defective products, the keeping of animals, and certain

ویژه نگهداری از حیوانات محصولات معیوب با توجه به مستقر شده

forms of industrial and environmental activity. 8-Those engaged in such

چنین مشغول آنها فعالیت­های زیست محیطی اشکال صنعتی

activities will frequently choose, and are sometimes obliged, to insure against

علیه مطمئن مؤظف برخی اوقات انتخاب کردن مکرراَ فعالیت­ها

liability.

9-Furthermore, while there are clear arguments in favour of a fault-based

مبتنی بر خطا به نفع استدلال­های روشن وجود دارد علاوه براین

system of liability **regarding** torts such as negligence, the present insistence of

اصرار کنونی غفلت همچون جرایم باتوجه به مسؤلیت نظام

fault in these areas can place significant obstacles in the path of the very

راه همان مردم موانع قابل توجه قراردادن این حوزه ها قصور

people the system is intended to benefit. 10-This has given rise to increasing

افزایش بالا آمدن منفعت درنظر گرفته شده نظام مردم

concerns, particularly regarding personal injury cases.

موارد صدمه­ی شخصی با توجه به خصوصاَ نگرانی­ها

**جریمه و خطا**

1-هدف از جریمه ارائه­ی یک راه­حل (معمولاش به صورت جبران خسارت مالی) برای قربانیان اشتباهات است و خطایی از جانب متهم رخ میدهد ابزاری است که معمولاَ برای پیوست مسؤلیت این مسأله مورد استفاده قرار می­گیرد. 2-مسؤلیت سهل انگاری از طرف متهم به وضوح وابسته به اثبات خشونت است- یک شکست برای توجه معقول. 3- درحالی که مسؤلیت مزاحمت" همانطور که دیده ایم، ممکن است برخی اوقات به ظاهر مسؤلیت سختگیرانه­ای بنظر برسد، اما اساساَ مبنی بر خطا است- متهم مسؤلِ عدم موفقیت در برآورده کردن انتظارات معقول همسایگانش است. 4- علاوه براین، می­توان گفت که دفاع عمومی، براساس نبود و یا درجه ی پایین­تری از خطا مشابه همان روش­ها در قانون کیفری است. 5- با این­ وجود، اینکه مسؤلیت سختگیرانه نقش مهمتری را نسبت به قانون کیفری در جریمه ایفا میکند سخن درستی است.6- این مسأله به طور کلی در حوزه­هایی صدق می­کند که ما می­توانیم استدلال کنیم که نگرانی­های اجتماعی مهمی در تشویق بزرگترین مراقبت های ممکن ( وه نه صرفاَ منطقی) در حصول اطمینان از ایمنی محصولات، مواد خطرناک و فعالیت­هایی که با خیالی آسوده با آن­ها مواجه می­شوند.7- از این رو مسؤلیت شدید در جریمه تا حدودی در مورد محصولات معیوب، نگهداری از حیوانات و اشکال ویژه­ی فعالیت­های صنعتی و زیست محیطی اعمال می­شود. 8- افرادی که در چنین فعالیت­هایی شرکت دارند اغلب دست به انتخاب می­زنند و گاهی اوقات مؤظف هستند تا در برابر مسؤلیت بیمه شوند. 9- علاوه بردرحالیکه استدلال های روشنی در حمایت از نظام مسؤلیتی مبنی بر خطا در مورد جرایمی همچون سهل­انگاری وجود دارد، اصرار کنونی بر این خطا در این حوزه­ها می­تواند موانع قابل توجهی در مسیر همان افرادی که سیستم قصد داشته به آن­ها سود برساند قرار ­دهد. 10- این موضوع موجب افزایش نگرانی­ها، به خصوص در مورد موارد صدمه­ی شخصی می­شود.

**The arguments in favour of fault-based liability**

**مسؤلیت مبتنی بر خطا به نفع استدلالات**

1-It is a just approach to the apportioning of liability. 2-Where fault indicates

نشان دادن خطا آنجا که تقسیم مسؤلیت رویکرد منطقی

the person responsible for the damage, justice requires that person compensate

جبران کردن شخص نیاز دارد عدالت آسیب مسؤلِ شخص

the victim. 3-However, it is at least questionable whether justice requires that

نیاز دارد عدالت که آیا سؤال برانگیز حداقل با اینوجود قربانی

in the absence of fault, the loss should be borne by the blameless victim.

قربانی بی تقصیر بوجود آمدن فقدان نبود قصور

4-The requirement of fault acts as an incentive to take care, as if liability were

مسؤلیت توجه کردن انگیزه عمل می­کند الزام قصور

to be imposed regardless of fault, people would take less care because no

زیرا توجه کمتری مردم بی توجه به کوتاهی تحمیل شده

advantage would accrue to the careful. 5-However, this rests on the rather

باقی می­ماند با این وجود مراقب جمع کردن مزیت

dubious assumption that people take care to avoid injuring others solely or

صرفاَ آسیب رساندن جلوگیری توجه کردن فرضیه ی مشکوک تر

largely in order to avoid legal liability.

مسؤلیت قانونی جلوگیری جهت تاحدزیادی

6-The requirement of fault deters deliberate self-maiming. 7-It is true that in

درست است که خودمختار حساب شده بازدارنده الزام قصور

jurisdictions with no-fault systems there have been instances of people injuring

زخمی شدن نمونه هایی از افراد بوده اند نظام های بدون خطا حوزه­ی قضایی

themselves in order to obtain compensation. 8-However, the numbers

اعداد بااین وجود جبران به دست آوردن خودشان

currently denied access to compensa­tion by the requirement of fault far exceed

تجاوز الزام قصور جبران دسترسی تکذیب درحال حاضر

any likely number of self-maiming claims. 9-Furthermore, it should be

باید باشد علاوه بر این تعداد ادعاهای خودخواهانه احتمالا

possible to build safeguards into a no-fault system to deal with such cases.

موارد چنین برخورد با نظام بدون خطا حفاظت ایجاد ممکن

10-To move to a no-fault system would involve a massive extension of liability

گسترش وسیع مسؤلیت درگیر کردن نظام بی نقص حرکت به­سمت

and place an excessive burden on defendants. 11-Whether this would in fact

در واقع که آیا متهمین مسؤلیت بسیار بالا قراردادن

result depends upon how the system is funded, but even under the present

کنونی طبق حتی بودجه نظام چگونه وابسته

arrangements the bulk of any additional costs would be spread throughout

از میان گسترش دادن هرگونه هزینه های اضافی تجمع استدلالات

society at large, through a rise in insurance costs, rather than falling directly

مستقیماَ بیش از هزینه های بیمه افزایش از طریق در مقیاس بالا

upon individuals.

افراد

**استدلال به نفع مسؤلیت مبتنی بر خطا**

1-این یک رویکرد منصفانه برای تقسیم مسؤلیت است. 2- جاییکه خطا نشان­دهنده­ی شخص مسبب آسیب است، عدالت این را می­طلبد که آن شخص برای فرد قربانی جبران کند. 3- با این وجود، حداقل سوال برانگیز است که آیا عدالت مستلزم آن است که در نبود خطا، قربانی بی تقصیر باید ضرر به بار بیاورد.4-الزام خطا همچون انگیزه­ای جهت مراقبت عمل میکند، گویا اگر مسؤلیت بدون درنظر گرفتن خطا تحمیل می­شد، مردم توجه کمتری نشان می­دادند، زیرا هیچ مزیتی نصیب افراد توجه کننده نمی­شد. 5- با این وجود، این بر پایه­ی فرضیه­ای غیرمعمول استوار است که مردم توجه میکنند تا مبادا به دیگران چه به یک نفر و چه افراد بیشتری آسیب برسانند تا از مسؤلیت قانونی که به دنبال دارد اجتناب کنند. 6-الزام خطا از آسیب عمدی به خودجلوگیری می­کند. 7- این موضوع حقیقت دارد که حوزه­های قضاوت دارای سیستم­ها­ی­ بدون خطا این موضوع حقیقت دارد که افرادی وجود داشته­اند که بطمع گرفتن خسارت به خود آسیب زده­اند. 8- با این حال، تعداد افرادی که هم اکنون دستیابی به خسارت را از طریق الزام خطا انکار کرده اند، بسیار بیشتر از تعداد احتمالی افرادی است که به خود آسیب می­زنند. 9- گذشته از این، باید این امکان وجود داشته باشد که در یک سیستم بدون خطا محافظ هایی جهت حل و فصل چنین مواردی ایجاد شود. 10- حرکت به سمت یک سیستم بدون خطا دربردارنده­ی گسترش عظیم مسؤلیت است و این مسأله مسؤلیت­های سنگینی را بر دوش متهمین قرار می­دهد. 11- که آیا این نتیجه ای به بار می­دهد یا خیر بستگی دارد به اینکه چگونه نظامم بودجه بندی شده است، اما حتی در شرایط فعلی،بیشتر هزینه­های اضافی از طریق افزایش هزینه­های بیمه، به جای گرفتن هزینه­ی مستقیم از افراد در سراسر جامعه توزیع می­شود.

**The arguments against fault-based liability**

مسؤلیت مبتنی بر خطا علیه استدلالات

1-The practical consequences of a fault-based system are unacceptable. 2-The

غیرقابل قبول نظام مبتنی بر خطا پیامدهای عملی

difficulties in establishing both fault and causation make the system a "forensic

قانونی نظام ایجاد علیت جریمه برقراری مشکلات

lottery’’. 3-Further­more, it is an extremely inefficient mechanism. 4-The Pearson

پیرسون مکانیزم ناکارآمد بسیار شدید علاوه براین لاتاری

Commission (1978) found the administrative costs of the tort system were

بودند هزینه های اداری سیستم جریمه تاسیس کمسیون

equivalent to 85 per cent of sums paid in compensation, amounting to 45 per cent

45 درصد افزایش تا حد جبران 85 درصد مبالغ معادل

of the total compensation and administra­tion costs. 5-By contrast, compensation

جبران در مقابل هزینه های اداری جبران خسارت

via the social security system would involve administration costs amounting to

بالا رفتن تاحد هزینه های اداری درگیر شدن سیستم تأمین اجتماعی

only 11 per cent of the total, providing a substan­tially cheaper and quicker

سریع تر ارزان تر اساساَ ارائه دادن 11 درصد از کل تنها

compensation mechanism.

مکانیزم جبران

6-A fault-based system is wrong in principle as well as practice. 7-While fault may

کوتاهی تمرین همچنین اصل خطا نظام مبتنی بر خطا

provide **a good** reason for taking money from defendants, it is an inappropriate

مبنای نادرست متهمین پول گرفتن دلیل خوبی ارائه

basis to decide which victims will receive compensation. 8-Furthermore, except

به غیر از علاوه بر این جبران دریافت کردن قربانیان که تصمیم میگیرند

where there is joint liability or contributory negligence, the present system takes no

نظام کنونی سهل انگاری مشارکتی مسؤلیت مشترک

account of the degree of fault. 9-Thus, an act of momentary carelessness that

فعالیت بی توجهی موقتی بنابراین حساب از درجه ی خطا

results in serious damage will give rise to far greater liability than an act of gross

یک عمل ناخوشایند مسؤلیت بیشتر افزایش خسارت جدی

negligence which results in only minor harm. 10-Also, because the aim is to

هدف این است که همچنین آسیب جزئی صرفاَ نتیجه میدهد غفلت

compensate the victim, the assessment of damages takes no account of the

بدون حساب ارزیابی خسارت قربانی جبران کردن

defendant’s ability to pay ( unlike the criminal law when assessing the level of

سطح جرایم ارزیابی کردن قانون جنایی برعکس پرداختن توانایی مدافع

fines). 11-Finally, we can argue that the present system has itself ecognized these

شناسایی کردن خودش نظام کنونی استدلال کردن سرانجام

failings by allowing (and even in some cases making com­pulsory) the use of loss-

استفاده از اجباری کردن برخی موارد اجازه دادن

distribution devices such as insurance and developing notions such as vicarious

متنوع همانند گسترش مفاهیم بیمه همانند دستگاههای توزیع

liability.

مسؤلیت

**استدلال­هایی علیه مسؤلیت مبتنی بر خطا**

1-پیامدهای عملی یک سیستم مبتنی بر خطا غیر قابل قبول است. 2- وجود مشکلات در برقراری خزا و علیت سیستم را تبدیل به یک "لاتاری قانونی" می­کند. 3- علاوه بر این، این مکانیزم بسیار ناکارآمد است. 4-کمیسیون پیرسون (1978) دریافت که هزینه­های اداری سیستم جریمه برابر بود با 85 درصد از مبالغ پرداخت شده در جبران خسارت، یعنی هزینه­هایی بالغ بر 45 درصد از مجموع خسارات و هزینه­های اداری. 5- در مقابل، جبران خسارت از طریق سیستم تأمین اجتماعی شامل هزینه­های اداری می­شود یعنی معادل 11 درصد از کل که درواقع ارائه دهنده­ی مکانیزم خسارت ارزان­تر و سریع­تری است. 6- یک سیستم مبتنی بر خطا در اصل و همچنین در عمل اشتباه است. 7- در حالی که خطا ممکن است دلیل خوبی برای گرفتن پول از متهمین ارائه دهد، این روشی نامناسب برای تصمیم گیری در این مورد است که باید به کدام یک از قربانیان خسارت تعلق بگیرد. 8-علاوه براین، بغیر از آنجا که مسؤلیت یا سهل انگاری مشارکتی است، سیستم فعلی میزان درجه­ی خطا را در نظر نمیگیرد. 9-بدین ترتیب، یک بی دقتی یک لحظه ای که موجب به بارآوردن خسارات جدی می­شود، مسؤلیت بسیار بیشتری را نسبت به یک غفلت ناخوشایند ایجاد می­کند که تنها باعث آسیب جزئی می­شود. 10- همچنین چون هدف جبران خسارت قربانی است به توانایی متهم برای پرداخت خسارت توجهی نمی­شود (برخلاف قانون کیفری در هنگام ارزیابی میزان جریمه). 11- در نهایت، می­توانیم مدعی باشیم که سیستم فعلی خود این کاستی­ها را از طریق مجاز کردن استفاده از دستگاه­های توزیع خسارت مانند بیمه ها و مفاهیم توسعه مانند مسؤولیت نیابی شناسایی کرده است.

**The main alternative-a no-fault system**

سیستم بدون خطا جایگزین اصلی

1-The main alternative is a no-fault compensation system (such as that in New

همانند سیستم جبرانی بدون خطا جایگزین اصلی

Zealand), financed either through compulsory private insurance or public revenues.

درآمد عمومی بیمه ی خصوصی اجباری از طریق از نظر مالی تأمین شود

2-Critics of such schemes often point to the fact that levels of compensation are

سطوح جبران این حقیقت که منقدان چنین طرح هایی

lower than those provided by damages at common law. 3-However, the fact

با این وجود قانون همگانی آسیب ها ارائه دادن کمتر از

remains that a system that ensures adequate compensation for all would seem

بنظر می رسد جبران کافی تضمین میکند سیستم باقی می ماند

preferable to a system that provides full compensation for only a few.

تعداد کمی جبران کامل ارائه دادن نظام قابل ترجیح

**جایگزین اصلی- یک سیستم بدون خطا**

1-جایگزین اصلی یک سیستم خسارت بدون خطاست (همانند نمونه ی آن در نیوزلند)، که از طریق بیمه­ی خصوصی اجباری یا درآمد عمومی تأمین می­شود. 2- منتقدان چنین طرح­هایی اغلب به این واقعیت اشاره می­کنند که میزان جبران خسارات از آنچه که توسط خسارت در قانون مشترک عرضه می­شود کمتر است.3- با این وجود، این واقعیت باقی می­ماند که یک سیستم که جبران کافی برای همه را تضمین می­کند به سیستمی که تنها برای عده­ی محدودی خسارت را به صورت کامل جبران می­کند، ترجیح داده می شود.

**Contract and fault**

خطا و قرارداد

1-By contrast with both criminal law and much of the law of tort, contractual

قراردادی قانون جریمه بیشتر قانون کیفری هردو درمقابل

liability is essentially strict. 2-The reasons for this are fundamentally pragmatic

عملگرا اساساَ دلایل سخت لزوماَ مسؤلیت

rather than based on any clear difference of principle. 3-An example may be

یک مثال هرگونه تفاوت روشن این اصل براساس بیش از

helpful here. 4-A person buys a new washing machine from a high street retailer.

خرده فروش خیابانی یک دستگاه ماشین لباس شویی جدید یک شخص امیدوار

5-The first time the machine is used, it breaks down. 6-The “fault” may in fact lie

درواقع نقص خراب می شود مورد استفاده اولین بار

with the manufacturer of a defective component who has supplied that

عرضه کرده است سازنده­ی یک جزء معیوب

component to the manufacturer of a larger component, who has in tum supplied

عرضه کسی که سازنده­ی یک جزء بزرگتر جزء

that component to the manufacturer of the machine, who then supplies the

تدارک دادن کسی که سازندهِ ی ماشین جزئی

machine to **a** wholesaler who in tum supplies it to the retailer. 7-However, it

با این وجود خرده فروش تدارکات کسی که عمده فروش ماشین

would clearly be absurd to require the purchaser to undertake the trouble and

دردسر بعهده گرفتن خریدار نیاز پوچ بودن به وضوح

expense of identifying where this fault ultimately lies. 8-It makes far more

ایجاد میکند این نقص سرانجام دروغ میگوید هزینه ی شناسایی

practical sense to establish a chain of liability from retailer to wholesaler to

عمده فروش خرده فروش زنجیره­ای از مسؤلیت برقراری معنای کاربردی

manufacturer to component supplier and, as we have seen earlier, this is

زودتر دیده ایم تأمین کننده ی جزء سازنده

precisely what the law of contract does.

قانون قرارداد دقیقاَ

9-Having said this, there are circumstances where the fault principle does

اصل قصور جاییکه پی آمدها وجود دارد بابیان این

tweak the conscience of contract law: the remedies available to a

موجود راه­حل ها وجدان قانون قرارداد

misrepresentee are, in part, determined by the degree of fault on the part of the

آن بخش از درجه­ی نقص تعیین شدن تا حدی نماینده­ی نامطلوب

misrepresentor; where a contract is void for illegality, the normal principles of

اصول عادی بازپرداخت غیر قانونی بودن خالی قرارداد آنجاکه نماینده­ی نامطلوب

restitution will not apply; where a contract is discharged by frustration, the law

قانون ناامیدی تخلیه شده قرارداد آنجاکه درخواست بازپرداخت

seeks to achieve a fair apportioning of loss between two innocent parties.

دو حزب بی تقصیر بین تقسیم عادلانه خسارت به دست آوردن

**قرارداد وخطا**

1-در مقابل قانون کیفری و بخش عمده­ای از قانون جریمه، مسؤلیت قراردادی اساساَ دشوار است. 2- دلایل این امر عمدتاَ واقع گرایانه است، و نه براساس هرگونه تفاوتی مربوط به اصل. 3- مثالی در اینجا ممکن است مفید باشد4- یک فرد ماشین لباس شویی جدیدی را از خرده فروشی واقع در خیابان اصلی می­خرد. 5-نخستین باری که ماشین مورد استفاده قرار می­گیرد، خراب می­شود 6-خطا ممکن است در واقع مربوط به سازنده­ی جزئی معیوب باشد که آن را در ختیار سازنده­ی جزء بزرگتر گذاشته است که به نوبه­ی خود او هم آن جزء را به سازنده­ی ماشین ارائه کرده که او هم پس از آن ماشین را به عمده فروشی ارائه می­کند که ماشین را به خرده فروشی می­فروشد. 7- با این وجود، بی معناست که از خریدار خواسته شود زحمت مخارج تشخیص و شناسایی عیب دستگاه را تقبل کند. 8- معنای کارکردی بسیار والاتری پیدا می­کند اگر زنجیره ای از مسؤلیت از خرده فروشی تا عمده فروش تا سازنده­ و ارائه دهنده­ی اجزاء دستگاه برقرار شود و همانطور که قبلاَ دیدیم، این دقیقاَ همان کاری است که قانون قرارداد انجام می­دهد. 9- با این توضیح، شرایطی وجود دارد که اصل خطا وجدان قانون قرار داد را دستکاری می­کند: راه حل هایی که در اختیار نماینده­ای نادرست قرار می­گیرند، تا حدی، از طریق درجه­ای از خطا از طرف نماینده­ی نادرست تعیین می­شود؛ درجاییکه قراردادی به خاطر غیرقانونی بودن بی­نتیجه می­ماند، اصول رایج بازپرداخت اعمال نخواهد شد؛ درجاییکه قراردادی یا شکست منجر می­شود قانون به دنبال تقسیم منصفانه خسارت بین دو طرف بی­گناه است.

**Conclusion**

نتیجه گیری

1-We can argue that all forms of liability at least commence from the basic

بنیادی شروع حداقل تمام اشکال مسؤلیت بحث کردن

proposition that a person should not be liable without fault. 2-In the criminal

قانون کیفری نقص بدون قابل تکیه نباید باشد یک شخص پیشنهاد

law, where the liberty of the citizen or his reputation is at stake, we have seen

دیده است شهرت آزادی همشهری آنجاکه

that this principle can only, quite rightly, be displaced in exceptional

استثنایی جابجاشدن کاملا به درستی صرفاَ این اصل

circumstances, and usually only when sanctioned by Parliament. 3-By contrast,

در مقابل پارلمان توسط تحریم شده صرفا معمولا شرایط

in the law of contract, very sensible practical considerations result in a regime

رژیم ملاحظات مغقول عملی قانون قرارداد

of essentially strict liability, with fault playing only a limited role in order to

به جهت نقش محدود صرفاَ بازی نقص مسؤلیت سنگین لزوماَ

mitigate occasional harshness. 4-It is one of the great virtues of a common law

نظام همگانی قانون فضایل عالی یکی از سختی گاه به گاه کاهش

system that it is able to employ such a sensitive mix of principle and

ترکیبی پرنوسان از اصل مانند به کارگرفتن قادربودن نظام

pragmatism. 5-However, this is not to argue that English law always gets the

همیشه قانون انگلیسی استدلال میکند با این وجود پراگماتیسم

balance right. 6-There are some problematic areas resulting from the law's

قانون از ناشی شدن برخی از حوزه­های دشوار وجود دارد درست تعادل

attachment to the fault principle, most notably **regarding** personal injury

آسیب فردی باتوجه به به ویژه اصل نقص ضمیمه

compensation.

جبران

**نتیجه­گیری**

1-ما می­توانیم استدلال کنیم که تمام اشکال مسؤلیت حداقل از حکمی بنیادین شروع می­شود که یک شخص نباید بدون خطا مسؤل باشد. 2- در قانون کیفری جاییکه آزادی یک شهروند و یا اعتبار او در خطر است، دیده­ایم که این اصل صرفاَ می­تواند به درستی در شرایط خاصی جایگزین شود، و معمولاَ تنها زمانیکه توسط پارلمان تأیید شود. 3- در مقابل در قانون قرارداد ملاحظات عملی بسیار معقول منجر به رژیم مسؤلیت واقعاَ سختگیرانه­ای می­شود و خطا تنها نقش محدودی را جهت کاهش سختی­های گاه به گاه ایفا می­کند. 4- این یکی از فضیلت های مهم یک سیستم قانونی مشترک است که قادر است چنین ترکیب حساسی از اصل و واقع گرایی را به کار گیرد. 5- با این وجود این استدلال نمی­کند که قانون انگلیسی همیشه حق تعادل را به دست می­آورد 6- برخی حوزه­های مشکل ساز ناشی از پیوستن قانون به اصل خطا، به ویژه در مورد جبران آسیب شخصی وجود دارد.

**Revision Notes**

**یادداشت­های بازنگری**

You should now write your revision notes for Fault and Liability. Here is an

اینجا مسؤلیت نقص یادداشت­های بازنگری بنویسید باید

example for you and some suggested headings:

تعدادی عنوان پیشنهادی یک مثال

*fault$--Tort* a *Strict Uablllty*

؟ شدید جریمه

* larger role than in Criminal law

قانون کیفری نقش بزرگ تر

* areas with overriding social reasons to enoourage greatest care

بیشترین توجه برانگیختن دلایل اجتماعی سرپرستی حوزه­های

* *e.g.* product safety, keeping animals, industrial/environmental protection

حفاظت از محیط زیست صنعتی نگهداری از حیوانات ایمنی محصول

* people often choose (sometimes obliged) to insure against this liability

مسؤلیت علیه اطمینان اجباری برخی اوقات انتخاب کردن مردم

**یادداشت­های بازنگری**

اکنون شما باید یادداشت­های بازنگری خود را برای مسؤلیت و خطا بنویسید. دراینجا تعدادی عنوان پیشنهاد شده و مثالی برای شما آورده­ایم:

* نقش برجسته تر از قانون کیفری
* حوزه­هایی با اهداف مهم اجتماعی برای برانگیختن بیشترین توجه
* برای مثال ایمنی محصول، نگهداری از حیوانات، محافظت صنعتی و زیست محیطی
* مردم اغلب برای بیمه شدن علیه این مسؤلیت دست به انتخاب می­زنند (گاهی هم مجبور به این کار می­شوند)

Fault<D—Intro

Faul~rime &r Fault Faulte-Crime &r Strict Liability Fault©-Tort &r Fault Faul~Tort &r Strict Liability Fault$-Fault/No-Fault debate Fault0-Contract &r Fault Faulte-Conc

Using your cards, you should now be able to write a short **paragraph** in response to

درپاسخ به یک پاراگراف کوتاه بنویسید قادر باشید باید با استفاده از کارتهای خود

each of the following questions:

هریک از سوالات زیر

1. Discuss the role of fault in the criminal law.

قانون کیفری در نقش نقص توضیح دهید

1. Discuss the role of fault in the sentencing process.

فرآیند محکومیت نقش خطا توضیح دهید

1. ‘What role does strict liability play in the criminal law?

قانون کیفری مسؤلیت سنگین نقش

1. Discuss the role of fault in tortious liability.

مسؤلیت جنایی نقش خطا توضیح دهید

1. Discuss the role of strict liability in tort.

نقش مسؤلیت محرمانه توضیح

1. What difficulties may arise from fault-based tortious liability?

مسؤلیت جنایی مبنی بر خطا منتج شدن مشکلات

1. Discuss the role of fault in contractual liability.

مسؤلیت قراردادی نقش خطا توضیح

با استفاده از کارت­های خود، باید اکنون قادر به نوشتن پاراگرافی کوتاه در پاسخ به هر یک از سوالات زیر باشید:

1-نقش خطا در قانون کیفری را توزیح دهید.

2-نقش خطا در پروسه­ی محکومیت را توضیح دهید.

3- مسؤلیت سنگین چه نقشی را در قانون کیفری ایفا می­کند.

4- نقش خطا در مسؤلیت خطا را توضیح دهید.

5- نقش مسؤلیت محرمانه در جریمه را توضیح دهید

6-چه مشکلی ممکن است از مسؤلیت حقوقی مبتنی بر خطا ایجاد شود؟

7-نقش خطا در مسؤلیت­های قراردادی را مورد بحث قرار دهید.